



# نرسیدن عیب است!

## پاسخ به سؤالات دانش آموزان

مرضیه معین

### اشاره

دانش آموزان در دوره ابتدایی و حتی قبل از آن مرتب در حال پرسیدن هستند. نوع سؤالات آن هاست که شیوه های تفکر، سبک یادگیری و سطح معلوماتشان را برای ما آشکار می کند. سؤالات بسته به هوش، علاقه و رشد دانش آموزان متفاوت است.

منابع کسب پاسخ سؤالات دانش آموزان در گروه های سنی مختلف، متفاوت است. در گام اول آن ها سؤالات خود را با اولیا مطرح می کنند. در گام های بعدی گروه هم سالان، آموزگاران، رسانه ها و در مراحل بالاتر کتاب ها پاسخ ها را به صورت صحیح یا غلط در اختیار کودکان قرار می دهند. در این نوشته شیوه های برخورد آموزگاران با سؤالات دانش آموز بررسی می شود.

### بررسی نوع سؤال

آموزگار در گام اول باید بتواند نوع سؤال دانش آموز را بررسی کند. پرسش ها را می توان به انواع گوناگون دسته بندی کرد. در مرحله ی اول، پرسش ممکن است درسی یا غیردرسی باشد (کودکان برای پرسیدن سؤالات غیردرسی از آموزگار باید آزاد باشند). اگر پرسش درسی باشد، دادن جواب های مستقیم به کودک او را از واکاوی دروس و توقع یادگیری باز می دارد. در این شرایط آموزگار می تواند پاسخ را به بعد موکول کند و یا منابع و راه رسیدن به پاسخ را بدون هیچ توصیه ی مستقیمی در اختیار کودک قرار دهد.

نمونه: «خانم! در قالی اتاق من شکل ها در بالا و پایین هم تکرار شده اند. چرا این اتفاق افتاده است؟»

پاسخ مناسب: «این موضوع را در صفحه ی ... کتاب ریاضی به شما یاد خواهیم داد، می توانی گاهی به آن بیندازی.»

### پرسش های غیردرسی

پرسش های غیردرسی به چند دسته تقسیم می شوند که یکی از آن ها پرسش های غیردرسی اساسی است. مسائلی که کج فهمی و بدفهمی آن ها در زندگی کودکان تأثیرات بدی خواهد گذاشت. پاسخ گویی به این سؤالات بهتر است مستقیم، بی پرده و واقعی باشد. کودکی که پدر و مادرش از هم جدا شده اند و همواره از پدر و مادر بدگویی شنیده است، نزد معلم می آید و می پرسد: «خانم اجازه چرا بابا و مامان ها با هم دعوا می کنند؟» آموزگار نباید اجازه بدهد که دانش آموز برداشت های شخصی پدر و مادر را به عنوان پاسخ خود انتخاب کند. در چنین موردی حتی خانواده ها نیز نمی توانند پاسخ صحیحی به کودک بدهند. آموزگار می تواند با ساده کردن مفهوم «اختلاف سلیقه» کودک را متقاعد کند که اختلاف داشتن امری طبیعی است. پاسخ این سؤال بهتر است به سرعت در اختیار دانش آموز قرار گیرد.

### در اختیار گرفتن سؤالات کودکان هنگام تدریس

دانش آموزان از معلم در حین تدریس سؤال های بی ربطی می پرسند و این کاملاً طبیعی است. اگر آن ها سؤالات عجیب و غریب خود را در حین تدریس با معلم مطرح نکنند و ساکت بمانند یا به طرح پرسش های مورد علاقه ی آموزگار بپردازند، ممکن است نشان دهنده ی این موضوع باشد که ارتباط کافی با آموزگار خود برقرار نکرده اند. اما آموزگار نباید اجازه بدهد که سؤالات کودکان تمام وقت مفید تدریس او را بگیرد. در این شیوه ی تدریس، آموزگار تنها میان سؤالات مختلف دانش آموزان پل می زند. در واقع، او از پاسخ گویی مستقیم خودداری می کند، ولی در جایی که پاسخی اشتباه از سوی دانش آموزان مطرح شود آن ها را به تفکر وادار می کند.

### دروغ و خرافه ممنوع

ندانستن موردی برای هیچ کس عیب نیست. کودکان اگر کسی را دانای مطلق بدانند، به این باور می رسند که خود نیز با مطالعه ی چند کتاب، تماشای چند سی دی و شرکت در چند کلاس می توانند به دانایی مطلق برسند. آموزگار باید این موضوع را به کودکان بیاموزد که در دنیا هیچ انسانی دانای مطلق نیست و همیشه چیزهای زیادی هستند که قابلیت یادگیری دارند. مشکلی نیست اگر آموزگاری در پاسخ به سؤالی بگوید: «نمی دانم! اما کتابی را می شناسم که در این باره نوشته است. می خوانم و به شما می گویم. اصلاً ببینم کی می تواند زودتر جواب این سؤال را پیدا کند؟»

دروغ گفتن یا اشتباه پاسخ دادن شاید در کوتاه مدت دانش آموز را متقاعد کند اما او به زودی خواهد فهمید که آموزگار پاسخ اشتباه داده است و اسطوره ی دانایی دانش آموز به یک دروغگو تبدیل خواهد شد. پس، آموزگاران هرگز نباید درباره ی چیزی که از آن مطمئن نیستند حرفی بزنند.

### پاسخ گویی به سؤالاتی که متناسب با سن دانش آموز نیستند

گاهی آموزگاران با سؤال هایی روبه رو می شوند که نمی توانند هیچ پاسخی به آن ها بدهند. در این شرایط، آموزگار ابتدا باید سطح دانایی دانش آموزان را بسنجد. این کار با طرح چند سؤال پی درپی و ماهرانه از دانش آموز امکان پذیر است. در حین طرح این سؤال ها آموزگار می تواند کج فهمی های دانش آموز را نیز تخمین بزند. اگر دانش آموز در جایی دچار کج فهمی شده باشد، آموزگار باید ریشه ی این کج فهمی را نیز صمیمانه کشف و به طور کاملاً غیرمستقیم آن را کنترل کند.